

بررسی روش های تدریس در آموزش دستور زبان فارسی به دانش آموزان مقطع متوسطه دوم

ذلیخا حسنونند^۱

^۱ کارشناسی ارشد ادبیات پایداری پیام نور خرم آباد

چکیده

دستور زبانی به عنوان یکی از اساسی ترین ارکان شناخت هر زبان نقش مهمی در ایجاد کنش زبانی فراگیران آن دارد. اگر معلمان زبان و ادبیات فارسی با علاقه و پشتکار، تدریس خود را هدفدار و منظم کنند؛ دانش آموزان را در استفاده درست از مهارت های زبانی علاقه مند می سازد. معلم باید این باور را در خود تقویت کند که آموزش دستور زبان فارسی تابع اصول و قواعد خاصی است، مسلماً اگر از روش های مطلوب و نوین در تدریس استفاده نشود، در تحقق اهداف عالی آن، به جایی نخواهیم رسید. پژوهش حاضر در صدد بررسی مسئله روش تدریس دستور زبان به دانش آموزان است. برای این منظور ابتدا در چهارچوبی مشخص اول مفهوم دستور و روش تدریس مورد بررسی قرار می گیرد و بعد با تجزیه مشکلات آموزشی و نظریه های ارائه شده در این زمینه، راه حل های کلی برای بهبود یادگیری این محتوا و در آخر به روش تدریس های موثر برای تقویت یادگیری دانش آموزان خواهیم پرداخت. نتایج بررسی مطالب نشان می دهد که روش تدریس های فعال که دانش آموزان خودشان در مباحث درسی درگیر می شوند نسبت به روش های سنتی تاثیر مطلوب تری بر یادگیری دستور زبان فارسی دارند. و معلمان می توانند با کاربرد راهبردها و الگوهای تدریس و کاهش نقش مستقیم خود به مفهوم سازی در دانش آموزان کمک کنند. و این مقاله توصیفی-تحلیلی و بر مبنای داده های کتابخانه ای است.

واژه های کلیدی: روش استقرائی، دستور زبان فارسی، دانش آموزان، مقطع متوسطه دوم

مقدمه

یکی از مهم ترین دروس دانش آموزان در طی دوران تحصیلی ادبیات فارسی و دستور فارسی است (دادکانی و کمان باز، ۱۳۹۷). در دیگاه های کهن دستور را مجموعه ای از قواعد می دانستند که هدف آن تعیین روش های درست سخن گفتن و درست نوشتن در زبان فارسی بود ولی در دیدگاه نو هدف دستور زبان تعیین معیارها و قواعد درست نوشتن و درست سخن گفتن نیست، بلکه هدف آن، به عنوان دانش بنیادی، بازشناسی قواعد حاکم بر ساختمان یک زبان و نمودن کارکرد آواها، واژه ها و جمله ها در یک زبان و به طور خلاصه کوششی است برای یافتن و معرفی کردن قواعد حاکم بر یک زبان آن گونه که هست، بی آنکه از درست و نادرست بودن آن ها سخن در میان آید و توصیه شود تا آنچه درست انگاشته شده است، به کار رود و از آنچه نادرست شمرده شده است، پرهیز گردد (دادبه، ۱۳۹۸). دستور زبان فارسی به شکل فاعل، مفعول و فعل است و این دستور با کلمات ترکیبی نیز همراه خواهد بود که برای یادگیری آن نیاز به تمرین بیشتر است. پیشوند و پسوندهایی در دستور زبان فارسی وجود دارد که بعضی پسوندها برای فعل نشانه ضمیر بوده و یادگیری و تشخیص آن ها ممکن است برای زبان آموزان چالش برانگیز باشد (احمدوند، ۱۴۰۱). معلمان می توانند با توسل به تدابیر و روش های مختلف، توجه دانش آموزان را به مطالب درسی جلب نموده و اثربخشی تدریس خود را بالا ببرند. معنادار کردن مطالب، پیچیدگی و سهولت یا سختی و آسانی مطالب و گفته ها، رفتارهای معلم، کیفیت نوشته های معلم بر روی تخته، همه به طور مستقیم در افزایش دقت، توجه و علاقه دانش آموزان تاثیرگذار است. بهره گیری از الگوهای تدریس مناسب برای تدریس دستور زبان فارسی امری ضروری است و یک معلم ادبیات باید با دانش سازمان دهی شرایط و فعالیت های آموزشی به داخل کلاس برود تا بتواند مطالب را به خوبی به دانش آموزان آموزش بدهد (دادکانی و کمان باز، ۱۳۹۷).

سلیمانی و هنرمند (۱۳۹۹) در تحقیق خود با بررسی تاثیر روش تدریس فعال بازی بر انگیزه و بهبود فرایند یاددهی و یادگیری دستور زبان فارسی نشان دادند که بین روش تدریس فعال بازی و افزایش رغبت دانش آموزان تاثیر معناداری وجود دارد و آموزش با شیوه بازی، نقش با اهمیتی در پیشرفت تحصیلی و افزایش رغبت دانش آموزان به درس دستور زبان فارسی دارد.

ای چین چیانگ (۲۰۱۰) در مقاله ای تاثیر دو روش تدریس قیاسی و استقرایی را بر یادگیری گرامر و نوشتن را مورد پژوهش قرار داد. در امتحان نهایی گروه استقرایی نمرات بهتری را کسب کردند.

آشنایی با دستور زبان منجر به آگاهی علمی افراد نسبت به آن می شود و این شناخت منشا بسیاری از عملکردها، از جمله استفاده مناسب و منطقی از زبان به عنوان سازمان دهنده ی فکر و ذهن و توفیق در برقراری ارتباط گفتاری و شنیداری است (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۹۲). دستور زبان فارسی به زبان آموزی کمک می کند؛ در آموزش علوم دیگر موثر است؛ فرهنگ نویسی را تقویت می کند؛ سطح اطلاعات عمومی مردم را بالا می برد و در گسترش زبان نقش مهمی دارد؛ بنابراین باید معلم از روش ها و سبک های یادگیری استفاده کند که باعث درگیری دانش آموزان ذهن دانش آموز در یادگیری مفاهیم شود. زبان فارسی همواره از درس هایی بوده که بیشترین مشکلات را برای دانش آموزان در رده های مختلف تحصیلی دربرداشته است. البته پراکندگی و ناهماهنگی مباحث درسی در برخی موارد، تنها عامل عدم موفقیت دانش آموزان نیست؛ بلکه عوامل دیگری مانند میزان اطلاعات آموزش دهنده، فضای آموزشی، روش تدریس و مسائلی از این دست از دیگر عوامل تاثیرگذار در این زمینه به شمار می رود. مخصوصا استفاده از روش های سنتی برای تدریس دستور زبان فارسی باعث می شود مشکلات یادگیری دانش آموزان در زمینه شناخت اجزای جمله، انواع زمان ها و نوع فعل، گروه های اسمی و... همچنان باقی بماند؛ به همین خاطر لازم است در تدریس این مطالب، از روشی استفاده کند که از سطح حافظه بالاتر رفته و باعث درک عمیق مفاهیم و قواعد شود

(جعفری کمانگر و فیروزجایی گلوگاه، ۱۴۰۰). هدف مقاله بررسی روش های تدریس دستور زبان فارسی به دانش آموزان مقطع دوم متوسطه است.

مبانی نظری

دستور زبان

دستور زبان عنوان عمومی کتاب هایی است که شیوه درست گفتن و درست نوشتن زبانی را می آموزند. این کتاب ها برخلاف نام خود، دستوری برای سخن گفتن یا نوشتن نیستند، بلکه قانون مندی های موجود زبان را نشان می دهند (فرهنگ نامه ادب فارسی، ۱۳۷۶). قاعده کلی تألیف کتاب های دستور زبان این است که معمولاً نویسندگان دستور زبان، کسانی هستند که زبانی که قواعدش را می نویسند زبان مادری آن ها نیست و برای آموختن زبان مقصد، به قواعدی مدون نیاز دارند؛ به عبارتی، چون قواعد صرف و نحو و اشتقاق هر زبان برای اهل آن، تازگی ندارد؛ اهل هر زبان لزومی برای تدوین قواعد صرف و نحو زبان خود نمی دیدند، دستور آن زبان هم برای آموزش کسانی که به زبانی دیگر سخن می گفتند، نوشته می شد. نخستین مباحث مربوط به دستور زبان فارسی، در قالب مقدمه هایی کوتاه بودند که در صفحات آغازین کتاب های مربوط به عروض و قافیه و به ویژه لغت نامه ها نوشته می شد. مؤلفان این گونه فرهنگ های لغت، به منظور ارائه اطلاعاتی از زبان مقصد، ابتدا توضیحاتی ضروری درباره ساختار نحوی کلمات و واژگان آن زبان می دادند و در ادامه به کار معنای لغات می پرداختند (موسی زاده و طاهری خسروشاهی، ۱۴۰۰).

دستور زبان هر کشوری در بر دارنده مجموعه قواعدی است که به تشریح ساختمان آن زبان می پردازد بنابراین آگاهی از این امر در به کارگیری اصولی و درست مفاهیم و دریافت ساده تر آن سودمند است. کودکان هر کشوری زبان مادری خود را از محیط پیرامون خود می آموزند، بدون این که اطلاعی از دستور داشته باشند؛ اما با این همه دانستن دستور برای آشنا شدن با ساختمان و تغییرات زبان در طول زمان لازم است، زیرا بدون یادگیری آن، شناختن اجزای جمله و در نتیجه دریافتن مفهوم سخن دشوار و گاهی ناممکن می گردد. آموختن دستور هر زبان، آگاهی علمی به آن زبان است. این آگاهی منشأ بسیاری از عملکردهای درست زبانی است؛ عملکردهایی از قبیل استفاده مناسب و منطقی از زبان به عنوان ابزار سازمان دهنده ی فکر و ذهن، آموزش درست زبان های بیگانه، توفیق در برقراری ارتباط گفتاری و نوشتاری و مسلماً آن که زبان را بهتر می شناسد، بهتر می تواند از آن استفاده کند. شناخت درست و علمی دستور زبان برای جلوگیری از نابسامانی واژه ها و عملکرد درست در واژه شناسی در مقابل مفاهیم جدیدی که وارد جامعه می شوند یا در جامعه پدید می آیند و نیز در مدارس و سازمان های انتشاراتی برای توجیه و روشنگری تصحیحاتی که در نوشته ها و مقالات و کتاب ها به عمل می آید و نیز برای سهولت یادگیری زبان های بیگانه، آموختن دستور اگر ضرورت نداشته باشد سودمند است و سودمندی آن در حدی است که ما را وادار می کند دستور یاد بگیریم و درست یاد بگیریم (پارسا، ۱۳۹۰).

روش تدریس

روش تدریس، یکی از راه های مهم برای رسیدن به اهداف درس، فرایند تدریس و یادگیری است که به دلیل اهمیت آن در آموزش، بسیار مورد توجه صاحب نظران حیطه علوم تربیتی است. برای یادگیری، تعاریف گوناگونی ذکر شده است. یادگیری از چشم انداز شناختی عبارت است از تغییر در ساختارهای ذهنی شخص که قابلیت بروز رفتارهای متفاوت را برای او فراهم

می‌کند (محمدی باغملایی، ۱۳۹۵) در مدارس، یادگیری مفاهیم مختلفی دارد و معلم با توجه به ظرفیت‌های ذهنی دانش‌آموزان برای رسیدن به این توانایی‌ها تلاش می‌کند. از این رو یادگیری به توانایی یادآوری، درک و فهم مطالب، مهارت‌های عملی، تمایل داشتن به نوع ویژه‌ای از گرایش‌ها و ارزش‌هایی که در اهداف آموزش مورد تأکید قرار گرفته است، اطلاق می‌شود (شعبانی، ۱۳۹۳). نظریه‌های یادگیری مختلفی چون نظریه‌ی یادگیری رفتارگرایی، شناخت گرایی و ساخت گرایی وجود دارد که معلم می‌تواند با استفاده از این نظریه‌ها رویکردهای تدریس ویژه درس را انتخاب کند و در جهت رفع کاستی‌ها و مشکلات روش‌های آموزش قبلی، به نحو مؤثری از راهکارهای این نظریه‌ها بهره ببرد. در نتیجه، نظریه‌های یادگیری در جهت دادن به فعالیت‌های آموزشی تأثیر زیادی دارند. ساخت گرایی یکی از زیر مجموعه‌های حوزه گسترده علوم شناختی است. علم شناخت به مطالعه چگونگی یادگیری، یادسپاری و تعامل بین افراد می‌پردازد و تأکید بر فرایندهای ذهنی دارد (پریچارد، ۱۳۹۰). برای کیفی نمودن فرایند یاددهی- یادگیری، باید فراگیران، نقشی فعال در یادگیری داشته باشند و این جز با تکیه بر الگوها، نظریه‌ها یا رویکردهای ساختن گرایی امکان پذیر نیست. در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی با تأکید بر لزوم توجه به روش‌های تدریس صورت پذیرفته است؛ با علم به این که روش‌های تدریس فعال به فراگیران قدرت تفکر بیشتری می‌بخشند و آن‌ها را برای زندگی بهتر در جامعه آماده می‌کنند (هرناندز و همکاران، ۲۰۱۶).

روش تدریس می‌تواند نقش ویژه‌ای در جهت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد و نقش اصلی مدارس، تربیت افرادی است که با تأکید بر فراهم ساختن ابزارهای شناختی بتوان آن‌ها را افرادی خلاق، عقلانی با بینشی متنوع و گسترده بارآورد (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۶). بسیاری از نظریه پردازان علوم تربیتی مانند گودلد و سیراتینگ، معتقدند که روش‌های سنتی آموزش در مدارس عامل مهمی در فقر تفکر دانش‌آموزان به حساب می‌آیند (جعفری کمانگر و فیروزجایی گلوگاه، ۱۴۰۰). بارتون (۱۹۸۵) تعریفی مختصر اما جامعی از تدریس ارائه می‌دهد؛ او تدریس را شامل تحریک، راهنمایی، هدایت و تشویق یادگیرنده می‌داند (دیناروند، ۱۳۹۴). استفاده از الگوهای فعال در تدریس بر خلاف الگوهای تدریس غیر فعال که در آن‌ها دانش‌آموز موجودی انفعالی است، موجب تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و نقد در دانش‌آموزان می‌شود. در این الگوها برنامه‌ی درسی قابل انعطاف است و معلم به عنوان گنجینه‌ی معلومات در برابر دانش‌آموزان ظاهر نمی‌شود؛ بلکه نقش راهنما و تسهیل کننده دارد و انتقال دهنده‌ی صرف نیست (جعفری کمانگر و فیروزجایی گلوگاه، ۱۴۰۰).

پیشینه پژوهش

جعفری کمانگر و فیروزجایی گلوگاه (۱۴۰۰) در تحقیق خود با عنوان مقایسه تأثیر آموزش به روش سنتی با استقرایی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه دهم در درس دستور زبان فارسی نتیجه گرفتند که روش تدریس استقرایی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه دهم، در دستور زبان فارسی نسبت به روش تدریس سنتی تأثیر معناداری دارد و دانش‌آموزان به غیر از حیطه نقد در تمام سطوح یادگیری بلوم، عملکرد بهتری داشتند و البته این بهبود عملکرد در سطوح درک، تجزیه و آفرینش معنادار نیز بوده است.

هادی‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان تحلیل و ارزیابی محتوای دستور در دو مجموعه آموزش نوین زبان فارسی و آموزشی فارسی به فارسی بر اساس رویکرد دستور آموزشی نتیجه گرفت که آموزش نوین فارسی با همه کوششی که برای بروز بودن ارایه می‌دهد، اما سیر مطالب دستوری در آن مشخص نیست، بر نقش نحوی کلمه‌ها به جای کاربرد آن‌ها تأکید شده است و جمله‌ها و ساختارهای آموزش داده شده، شکل واقعی و کاربردی زبان فارسی را منعکس نمی‌کنند. در مجموعه آموزش فارسی به فارسی هر چند الگوی ساده به دشوار برای آموزش دستور انتخاب شده، آموزش ضمنی در کنار آموزش صریح مورد توجه قرار گرفته است. اما تمرین‌ها و تکلیف‌های ارتباطی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در پژوهش دادگانی و کمان باز (۱۳۹۷) با بررسی مشکلات آموزشی درسی ادبیات فارسی و دستور زبان فارسی در دوره دوم متوسطه اول و دوم و رسیدن به راهکارهای مناسب جهت رفع این مشکلات نتایج نشان داد که به دلیل اینکه در روش های جدید تعلیم و تربیت عرضه اطلاعات کافی نیست، روش تدریس دوسویه از اهمیت ویژه برخوردار است. در این روش نقش اصلی بر عمده دانش آموز گذاشته می شود که با مشارکت مستقیم خود به فرآیند یادگیری شکل می دهند و شیوه های تفکر کردن را تمرین می کنند و این روش در تدریس دستورهای زبان فارسی هم دارای اهمیت است.

پارسا (۱۳۹۰) در پژوهش خود با بررسی اثرات دو روش تدریس انتزاعی و تدریس در متن (روش جزء به کل و کل به جزء) بر میزان یادگیری برخی از دانش آموزان دبیرستان های شیراز در درس دستور زبان فارسی دریافت که در تفهیم بخش هایی از کتاب که برای فراگیران تازگی دارد، روش تدریس در متن موفق تر است، اما در تفهیم بخش هایی که فراگیران از آن ها سابقه ی ذهنی دارند، بین دو روش تدریس، رابطه معنی داری مشاهده نشد.

علیزاده (۱۳۹۴) با بررسی روانشناسی فناوری جدید در زبان و ادبیات فارسی دبیرستان پی برد که می توان با استفاده از روش ها و وسایل مختلف آموزشی نوین جهت فراگیری هرچه بیشتر و بهتر ادبیات فارسی حداکثر استفاده را به عمل آورد.

یافته ها

با بررسی مقالات و کتب های نوشته در زمینه روش تدریس برای آموزش دستور زبان فارسی به دانش آموزان و تجزیه و تحلیل نتایج ارائه شده توسط محققان در این زمینه به یافته های زیر دست پیدا کردیم:

دوره های دستورشناسی زبان فارسی

اگر دوره های دستور شناسی فارسی را به سه دوره تقسیم کنیم، خواهیم دید که:

در دوره ی اول مشخصه ی عمده ی آثار، تقلید از صرف و نحو عربی است. برای زبان فارسی دو واحد کلمه و کلام مشخص می شود. کلمات که سازنده ی کلام هستند به سه طبقه ی اسلام و فعل و حرف تفکیک می شوند و همه ی اصطلاحات دیگر نیز تقلیدی است از صرف و نحو عربی. از آثار این دوره که برخی مطالب دستوری را ارائه می کنند می توان به المعجم، فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع و براهین العجم اشاره کرد. این دوره بر ساختمان خاص جمله های ربطی در فارسی تاکید می کند و تمامی ایرادات یاد شده بر آن ها وارد است. گفتنی است که در هیچ کدام آثار این دوره به مقوله ی ژرف ساخت و رو ساخت و ارتباط پنهان بین جملات اشاره ای نشده است.

در دوره ی دوم که مدار توصیف همچنان بر محور کلمه و کلام می چرخد به تقلید از دستور زبان های اروپایی معقولات یا طبقات بیشتری برای کلمه در نظر گرفته می شود و بدون در نظر گرفتن ملاحظات معنایی بر جایگاه کلمه در ساختمان جمله تاکید می گردد. مهم ترین آثار این دوره عبارتند از: دستور زبان های قریب، پنج استاد، همایون فرخ، خیام پور و خانلری که خانلری با تاسی از علم زبان شناسی برای نخستین بار تغییراتی چون تعیین اجزای هسته و وابسته برای گروه، در سنت موجود دستور شناسی ایجاد کرد و راه را برای دستور نویسان دوره ی بعد هموارتر ساخت. در این دوره نیز از رابطه ی پنهان می ان معنی عینی یا رو ساخت و معنای ذهنی یعنی همان ژرف ساخت سخنی به می ان نرفته است.

در دوره ی سوم باطنی با رهیافتی ساخت گرایانه و به دور از ملاحظات معنایی، واحدهای ساختمانی یا نحوی دیگری چون گروه و واژک را به واحدهای از پیش شناخته شده افزود و همه ی آن ها را در شبکه روابطی سلسله مراتبی قرار داد و توصیف کرد. اصول حاکم بر کار دستور یان این دوره به صورت نظریات زبانی منسجم عرضه می شود و اصول عام حاصل از نظریه پردازی ها

ضابطه بندی شده و به گونه ای منسجم در اختیار دستور نویس قرار دارد. در این دوره، گونه ای مورد توصیف زبان مشخص تر است و اصولاً گونه ای نظم و نشر ادبیات کهن مورد توصیف قرار نمی گیرد (افشاری، ۱۳۹۳).

آموزش دستور زبان فارسی به فصل های زیر تقسیم می شود:

- ۱- آواشناسی: تعریف اولیه مفاهیم حرف، واج، صامت، مصوت، هجا، کشش هجاها
- ۲- صرف: تعریف کلمه، ساختمان کلمه (ساده، مشتق مرکب)، تعریف پسوندها و پیشوندها و معرفی پرکاربردترین آن ها، تقسیم کلمه به شش عنصر اسم، صفت، فعل، قید، حرف و صوت
- اسم: تعریف مفاهیم اسم، اسم مفرد، اسم جمع، اسم معرفه، اسم نکره، ضمیر و ساختمان اسم
- صفت: تعریف صفت، صفت بیانی و پرکاربردترین انواع آن، ساختمان صفت
- قید: تعریف قید، معرفی انواع قید، شرح پرکاربردترین انواع قید، ساختمان قید، اشتراک قید و صفت
- فعل: تعریف فعل، پرکاربردترین زمانهای فعل، فعل ناقص، فعل تام، فعلهای لازم و متعدی، معلوم و مجهول، جمله ساده، جملات مرکب و نقش حروف ربط در آنها
- حرف: معرفی حروف اضافه و ربط و نقش آنها در ساختن متمم و نیز ارتباط بین دو سازه دستوری، معرفی برخی از آنها با مثال
- صوت: تعریف صوت و معرفی برخی از پرکاربردترین انواع آن
- ۳- نحو: کاهش نقشهای مختلف نحوی به این چند نقش ساده تر: فاعل (مسندالیه)، مفعول، فعل، قید وابسته ها (صفت ها)، متمم، مضاف الیه، منادا و مسند (مجد و صالح محمد، ۱۳۹۹).

نظریه ی دستور گشتاری چامسکی

چامسکی بنیان گزار نظریه گشتاری در تعارض با ساخت گرایی آمریکایی و کاستی های آن در شناخت زبان نظریه ی خود را مطرح کرد. اولین نقد چامسکی متوجه دستور ساخت سازه ایست که طی آن مفاهیم دستور گشتاری، ژرف ساخت، روساخت و قواعد گشتاری مطرح می شود. نخستین ادعای او اینست که دستور سازه ای در توصیف روابط واقعی بین جملات ناتوان است؛ حال آنکه دستور گشتاری قادر است روابط نهفته و زیربنای جمله های عینی را کشف کند. دستور گشتاری گونه ای از دستور است که شیوه ی توصیف آن از ساختار زبان ها جدا از شیوه ی دستور زبان های سنتی است. در تعریف دقیق تر زبان شناسی دستور گشتاری نوعی دستور صوری و نحو بنیان توصیف می شود که در آن برای اشتقاق جمله از قاعده های ساخت گروهی و گشتاری استفاده می شود. در این نوع دستور، دو مفهوم ژرف ساخت و رو ساخت اهمی تی ویژه دارند. ژرف ساخت، سطح باز نمود بنیادی و انتزاعی ساخت نحوی و روساخت آخرین سطح باز نمود ساخت نحوی جمله است که درون داد بخش واجی در دستور گشتاریست. این دستور مانند اکثر دستورهای دیگر سه مولفه اصلی دارد. مولفه ی نحوی که به نحو می پردازد، مولفه ی واجی که به آواها می پردازد و مولفه معنایی که به معنا می پردازد. سخن اساسی چامسکی در دستور گشتاری این است که هیچ اندیشه ای در ذهن ما فارغ از یک جمله وجود ندارد. به همین دلیل حتی یک کلمه هم در ذهن ما به صورت یک جمله موجود است. این جملات موجود در ذهن جملاتی ساده، خبری و مثبت هستند؛ یعنی نه سوالی اند، نه امری، نه منفی، نه

مرکب و نه مجهول چامسکی نام این سطح را ژرف ساخت گذاشت و جملاتی را که از تغییر این جملات ساده به شکل های مختلف پدید آمد روساخت نامید. به عبارت دیگر ژرف ساخت همان عینیت و روساخت همان ذهنیت است و با این فرض که زبان بهترین آینه ی ذهن بشر است، مطالعه ی زبان را اغلب، تحقیق در مورد ماهیت ذهن و تفکر دانسته اند. گفتنی است که علت پیدایش ژرف ساخت و روساخت تحقیقاتی بود که درباره ی امکان ترجمه پذیری ماشینی انجام گرفت. برای محقق شدن ترجمه ی ماشینی، ابتدا لازم بود زبان به اجزای کوچکی تقسیم شود تا برای ماشین قابل فهم باشد. ابتدا گمان می کردند واحد این جزئی کوچک، کلمه است ولی دیدند که اگر این واحد کلمه بود هر کسی با داشتن یک فرهنگ لغت دو یا چند زبانه قادر به ترجمه می شد؛ حال آنکه چنین چیزی ممکن نبود، به زودی محققان دریافتند که ترتیب کلمات یک متن در معنای آن نقش بسیار دارد. در نتیجه توجه آنان به نحو جمله و محل قرار گرفتن کلمات جلب شد و چامسکی الگوی ژرف ساخت و رو ساخت خود را مطرح کرد. در واقع ذهن ما قادر است به طور خودکار با تحمیل گشتارهای مختلف بر جملات، ژرف ساخت آن ها را به جملات روساخت تبدیل کند. بر اساس دستور گشتاری، روساخت زبان با قواعدی پدید می آید که قواعد گشتاری نامیده می شوند. قواعد گشتاری به بیان تغییراتی می پردازد که هنگام تبدیل ژرف ساخت به رو ساخت پیش می آید. بر مبنای این دستور زمانی که جمله ای از زیر ساخت به رو ساخت زبان تبدیل می شود ممکن است یکی از تغییرات چهار گانه ی زیر در آن رخ دهد.

۱- گشتار حذف (حذف بخش یا بخش هایی از جمله)

۲- گشتار اضافه (افزودن بخش یا بخش هایی به جمله)

۳- گشتار جابجایی (جابجا شدن بخش یا بخش هایی از جمله با بخش یا بخش های دیگر)

۴- گشتار جایگزینی (جایگزین شدن عنصر یا عناصری از جمله با عنصر یا عناصر زبانی دیگر)

دستور گشتاری در دستور زبان فارسی اثر مشکوه الدینی است. این اثر که مشتمل بر سه بخش اصلی است نخستین دستور فارسی بر پایه نظریه ی گشتاری است. بخش اول به بیان و معرفی مفاهیم اصلی نظریه ی زبانی زایشی- گشتاری شامل توانش و کنش زبانی، چپستی زبان و دانش زبانی، قاعده های دستوری، ژرف ساخت، روساخت و ... اختصاص یافته است. بخش دوم به توصیف قواعد سازه های و گشتاری و و ژرف ساخت و بخش سوم به توصیف رو ساخت جمله و سازه های آن پرداخته است.

بنابر این، دستور زبان در نظریه ی گشتاری شامل سه بخش عمده ی نحوی، معنایی و آوایی است. بخش نحوی متشکل از دو زیر بخش قواعد سازه ای، واژگان و قواعد گشتاری است. در بخش نحوی به هر جمله ی زبان یک ژرف ساخت و یک رو ساخت تعلق می گیرد. در دستور مشکوه الدینی ابتدا ژرف ساخت و سپس رو ساخت و سازه های نحوی آن در زبان فارسی بررسی می شود (افشاری، ۱۳۹۳).

دلایل و مشکلات آموزش دستور زبان فارسی در دوره متوسطه دوم

۱- حجم زیاد کتاب ادبیات فارسی و نکات پیچیده و سخت دستور زبان فارسی و سختی مطالب آن موجب می شود هدف های آموزشی، تحت الشعاع به موقع تمام کردن کتاب قرار گیرد و معلم نتواند فراگیران را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. برای حل این مشکل، دو راه وجود دارد: یکی این که ساعت تدریس ادبیات، افزایش یابد و دوم اینکه مطالب غیر ضروری و سخت نکات دستوری و ادبی از کتاب ها حذف شود.

۲- دشواری دیگر، کابردی نبودن آموزش‌ها در زندگی روزمره دانش‌آموزان است. حتی دبیران ادبیات نیز بعضی مطالبی را که در زبان فارسی آموزش می‌دهند، به کار نمی‌برند؛ کافی است نگاهی به مقاله‌ها و کتاب‌هایی که آنان تالیف کرده‌اند ببندازید. از طرف دیگر نه تنها در ویرایش متن کتاب‌هایی مانند شیمی، فیزیک و... از شیوه ویرایش کتاب فارسی استفاده نمی‌شود، بلکه در خود کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی نیز این شیوه رعایت نشده است.

۳- فراگیری املا و روخوانی آن قدر مهم است که اگر می‌زان سواد افراد را در این دو خلاصه کنیم، به مطلب گزافی نگفته‌ایم. اما متأسفانه دوره‌ی متوسطه دوم، دوره تکامل ضعف دانش‌آموز در املا و روخوانی است. با اینکه یکی از اهداف کلی کتاب فارسی توانایی سریع و صحیح خواندن متون است، اما عملاً ابزاری برای رسیدن به این هدف نیست پیشنهاد می‌شود املا و روخوانی به عنوان یک درس مستقل برنامه آموزشی دوره متوسطه دوم گنجانده شود.

۴- دانش‌آموزان هنگام برخورد با شعر یا نثرهای سنتی قادر به درک درست آن‌ها نیستند پیشنهاد می‌شود بخشی از دستور زبان سنتی که به درک متون شعر و نثر کهن کمک می‌کند مانند انواع «را»، انواع اضافه تشبیهی و استعاری، شکل فعل‌ها و... در کتاب‌های فارسی گنجانده شود.

۵- استفاده کتاب فارسی با محتوای یکسان در همه رشته‌های تحصیلی (نظری، فنی حرفه ای، کاردانش) درست نیست؛ برای شاخه‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش، کتاب جداگانه با محتوای جداگانه‌ای تالیف شود نه خلاصه‌هایی از دو کتاب فارسی و نوشتاری رشته علوم انسانی.

۶- یکی از مشکلات فعلی آموزش زبان و ادبیات فارسی این است که معلمان این درس و گاه برنامه‌ریزان آن به جای تکیه بر پرورش استعدادهای فکری و تقویت توانایی‌های ذهنی، بر یادگیری اطلاعات و محتویات کتاب‌های درسی توجه می‌کنند. در این حالت آنان روش ارتباط یک طرفه با سخنرانی را بهترین روش می‌دانند. همین امر باعث شده که دانش‌آموزان ما هنوز در این درس به شیوه انفعالی برخورد کنند و در نتیجه درباره مقوله‌های مختلف زبان شناسی، نگارش، دستور، املا، مباحث ادبی و کمتر تفکر و استدلال کرده و آموخته‌های آن‌ها به محتوای کتاب‌ها و گفته‌های معلم محدود است (دادگانی و کمان باز، ۱۳۹۷).

راهکارهایی برای حل برخی از مشکلات آموزشی درس ادبیات

۱- از آن جایی که فناوری و اطلاعات کلید توانمندسازی در توسعه جوامع به خصوص در بهبود سیستم آموزشی، آموزش و پرورش است استفاده از کلاس‌های هوشمند یکی از بهترین راه‌ها برای جذب بیشتر دانش‌آموزان است به خصوص برای کلاس‌های ادبیات که اگر محتوای درسی با استفاده از کلاس هوشمند به صورت پاور پوینت توسط معلم ارائه شود دانش‌آموزان بهتر مطالب را درک خواهند کرد.

۲- یکی دیگر از راه حل‌های کمک به آموزش بهتر دانش‌آموزان مسئله خود ارزیابی معلم است. معلم می‌تواند شخصاً برنامه‌ای ترتیب دهد که کارش ضبط شود و خودش بعداً یک ابزار مشاهده برای نقد عملکردش به کار ببرد. این روش بیشترین تغییر و پیشرفت را در عملکرد تدریس به وجود می‌آورد. این روش که خالی از هر گونه تهدید است معلمان را تشویق می‌کند تا با توجه به اینکه هیچ کس برای انتقاد از عملکرد ضعیف آن‌ها حضور ندارد؛ تدریس خود را بررسی کنند.

۳- استفاده از بهترین روش‌ها برای تدریس در درس ادبیات می‌تواند مواردی از مشکلات آموزشی را حل کند مثلاً معلم برای تدریس درس فارسی می‌تواند از ایفای نقش، قصه گویی و نمایش خلاق استفاده کند. از کتاب فارسی به خوبی می‌توان از

نمایش و قصه گویی مناسب با سن نوجوانی استفاده کرد. برخی از دروس به گونه‌ای سازمان دهی شده‌اند که با هدایت معلم می‌توان مفاهیم مورد نظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت. این روش‌ها چنانچه با بحث و تبادل نظر و ارزشیابی در کلاس توأم شود، می‌توان عالی‌ترین اهداف آموزش زبان و ادب فارسی را محقق کند. بخشی از این اهداف عبارتند از: ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوه تفکر، استنتاج، رشد و شکوفایی خلاقیت و استعداد های زبانی و ادبی.

۴- به کارگیری مهارت‌های معلم خلاق در روند یادگیری فراگیرندگان قدم مؤثری است که می‌تواند در تدریس زبان و ادبیات فارسی تحول و دگرگونی ایجاد کند. در دنیای امروز که عصر دانایی نامیده می‌شود تعلیم و یادگیری باید به شکلی باشد که لذت تفکر را در فراگیرنده بیدار کند و او را به تفکر و خلاقیت وادارد. تدریس درس‌هایی که به ادبیات مربوط می‌شوند، آن طور که امروز رایج است، عاری از شور و نشاط است، رغبت دانش‌آموزان را به درستی بر نمی‌انگیزد و به یاد دادن‌های موفقیت آمیز نمی‌انجامد. جای بسیاری از فعالیت‌های مفید و سودمند در زمینه ادبیات خالی است؛ فعالیت‌های شناخته شده‌ای که می‌توانند برای بچه‌ها شور آفرین باشند و عشق و حالی به وجود آورند که آن‌ها از خواندن و نوشتن لذت ببرند و با این لذت، از درس‌های دیگرشان نیز استقبال کنند و موفقیت‌هایی که می‌توانند برسند. معلم ادبیات باید متون نظم و نثر را با صدایی گیرا و جذاب، رسا و دلنشین، در حالی که آهنگ صدایش همواره با توجه به قسمت‌های مختلف نظم و نثر تغییر کند، بخواند. ژان پل ساتر می‌گوید: خواندن آفرینش هدایت شده است. از روش‌های مؤثر معلم خلاق در درس ادبیات این است که به فراگیرندگان یاد بدهند که هنگام خواندن متن یک درس به هدف‌های مختلف درس و مورد استفاده‌های مختلف اطلاعاتی که در آن درس وجود دارد، بیندیشند و به راه‌های که بتوانند اطلاعات خوانده شده را در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به کار ببندند فکر کنند و فقط به متن و معنی و مفهوم آن نیندیشند، بلکه از خود بپرسند که چگونه می‌توانیم از آنچه در کتاب نوشته شده است در زندگی آینده خود استفاده کنیم. آموزش نظم و نثر فارسی و تشکیل کلاس‌های ادبیات در فضاهای باز و طبیعت بر فرایند یادگیری تأثیر زیادی دارد.

۵- دانش‌آموزان را به شرکت در کلاس‌های خصوصی تشویق نکنید، چون دانش‌آموز در هنگام آموزش ادبیات در کلاس بی توجه خواهد بود چون امید به یادگیری مطالب را در کلاس دیگر دارد.

۶- آموزش ادبیات فارسی نیاز به رویکردهای جامع و فرا نظریه‌هایی دارد که از یک فلسفه شایسته ادبیات تشکیل شده باشد، یک فلسفه شایسته ادبیات باید خود ادبیات را به عنوان یک نظام از دیدگاه فعالیت‌های همکاری و ارتباط بین انسان‌ها و مسائل مربوط به ادبیات و تعامل اجتماعی ببیند.

۷- هنگامی که نکات دستوری و ادبی را داریم تدریس می‌کنیم باید توجه به پیش نیاز مطالبی که می‌خواهیم تدریس کنیم داشته باشیم و مطمئن باشیم که مطلبی را که می‌خواهیم در مورد نکات دستوری یا ادبی آموزش دهیم دانش‌آموزان پیش نیازهای آن مطلب را به خوبی می‌دانند یا خیر.

۸- برگزاری جشنواره کتاب سال برای آنکه از کتاب‌های آموزشی جدید از سوی دبیران و استادان دانشگاه و دیگر مولفان مجرب بهره‌مند شویم، باید آنان را به این عرصه مهم دعوت کنیم و از آنان یاری بطلبیم تا شاید با بهره‌مندی از تجربه علمی و عملی آنان در تالیف کتاب‌های درسی تحولی درخور شأن آموزش و پرورش و به ویژه آموزش زبان گام برداریم (دادکانی و کمان باز، ۱۳۹۷).

روش تدریس استقرایی

از میان الگوهای تدریس فعال، الگوی تدریس استقرایی، دانش آموزان را در یک چالش خاص قرار می دهد. استقرا عبارت است از عمل مشاهده حوادث و سپس استنتاج به منظور فرضیه سازی بر اساس آنچه مشاهده شده است (شعبانی، ۱۳۹۴) و استفاده از الگوی تدریس استقرایی، باعث بهبود ظرفیت تفکر، گردآوری، سازماندهی، کنترل اطلاعات و نام گذاری مفاهیم می شود (فرهادی پور و همکاران، ۱۳۹۴). این روش نه تنها به بالا رفتن انگیزه دانش آموزان کمک می کند، بلکه درک حقایق، مهارت ها و فهم اصول را در پی دارد و کمک می کند تا دانش آموزان با تلاش خودشان یاد بگیرند. پس این روش کمک می کند دانش آموز رویکرد مؤثرتری برای یادگیری اتخاذ کند. از سی سال گذشته این الگو موضوع پژوهش های متعدد بوده و از میان آثاری که در این زمینه وجود دارد، کار هیلدا تابا برای استفاده در کلاس های درس کنونی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تابا معتقد است با استفاده از این الگو، دانش آموز و معلم در شرایطی قرار می گیرند که مفاهیم و مطالب درس با نظم خاصی مطرح می شود. معلم با طرح سؤالاتی هدفمند آنان را به سمت اهداف درس هدایت می کند. دانش آموزان مسیر جزء به کل را دنبال می کنند و در پایان جلسه ی درس از مفاهیم مورد نظر، اطلاع و آگاهی می یابند (تابا، ۱۹۶۷). بدین صورت که در ابتدا مجموعه ای از اطلاعات در قلمرو خاص در اختیار دانش آموزان قرار داده می شود؛ پس از آن دانش آموزان اطلاعات را در مغز خود سازمان می دهند؛ نکات و مطالب را به یکدیگر ارتباط می دهند و آموخته های خود را در موقعیت های جدید به کار می گیرند. به این ترتیب به فرضیه سازی، پیش گویی و توضیح پدیده های نا آشنا می پردازند. معلم می تواند با کاربرد راهبردها و الگوهای تدریس و کاهش نقش مستقیم و فعال خود در کلاس، یادگیری را درونی کند و در مفهوم سازی به دانش آموزان یاری دهد. بنابراین روش تفکر استقرایی، روش یادگیری از طریق تجربه است. یادگیرنده خود در انجام فعالیت مشارکت می کند؛ برای روشن تر شدن یادگیری، فعالیت ها را با یک نگاه موشکافانه مجدداً بررسی می کند؛ به بینش های مفیدی دست می یابد و در موقعیت های جدید از یادگیری خود استفاده می کند. این راهبرد شامل تجربه کردن، سهیم کردن، تحلیل یا پردازش، استنتاج یا تعمیم و کاربرد است (رضازاده، ۱۳۹۲). در این روش از امور جزئی به منظور رسیدن به امور کلی استفاده می شود. تدریس با مفاهیم خرد و جزئی شروع می شود و یادگیرندگان در اثر کنار هم گذاردن موارد جزئی و مقایسه ی آن ها با یکدیگر، به سمت استنتاج موارد کلی هدایت می شوند. به دلیل ماهیت واگرایی روش استقرایی، استفاده از این روش در تقویت مهارت های تفکر، استدلال، خلاقیت و نوآوری مؤثر است. استفاده از این الگو موجب می شود دانش آموزان به گردآوری اطلاعات بپردازند و آن ها را به دقت بررسی کنند. سپس این اطلاعات به مفاهیم تبدیل شود و دانش آموزان کارکردن با مفاهیم را بیاموزند (جویس و همکاران، ۱۳۹۳). بر این اساس الگوی تدریس استقرایی، نقش مهمی در بالا بردن قدرت تفکر و هم اندیشی اعضای گروه، افزایش مهارت های گوش کردن، استدلال، تجزیه و تحلیل و ... دارد و از آنجا که در درس دستور ابتدا باید مفاهیم در ذهن دانش آموزان شکل گیرد و بعد به تجزیه و تحلیل و سپس به کاربرد اصول در نمونه های مختلف بپردازند، به کار بردن چنین روشی می تواند مثمر ثمر واقع شود. از آنجایی که شناخت دستور زبان به آگاهی علمی درباره آن زبان می انجامد و این آگاهی منشا بسیاری از عملکردهاست؛ اطلاعات فراگیران در زمینه های مختلف تأثیر خود را از دست داده است. از این رو در عصر جدید، روش های سازنده گرا و یادگیرنده محور برای آموزش مطرح شده است که روش تدریس استقرایی یکی از این روش ها است و کارایی آن برای درس دستور زبان فارسی، مشهود است. روش استقرایی می تواند بستر مناسبی را فراهم کند که در آن دانش آموزان شخصاً به کشف قوانین و اصول بپردازند. در این شرایط دانش آموزان بهتر و بیشتر قادر به شناسایی و یادگیری آن چیزی هستند که در کلاس های تدریس سنتی به صورت محفوظات و طوطی وار یاد می گیرند و یادآوری آن چیزی که خود کشف کرده اند، آسان تر و بیشتر خواهد بود. بنابراین تدریس دستور زبان به روش استقرایی نسبت به روش

سنتی بر همه حیطه های شناختی مد نظر بلوم به غیر از حیطه نقد و ارزشیابی تاثیر مثبت دارد (جعفری کمانگر و فیروز جایی گلوگاه، ۱۴۰۰).

روش تحقیق

این پژوهش برای بررسی روش های تدریس دستور زبان فارسی به دانش آموزان دوره دبیرستان انجام شده است که یک تحقیق کاربردی و توصیفی است و برای گردآوری مطالب به سایت ها و پایگاه های اینترنتی، کتب و مقالات نوشته شده در این زمینه استفاده کردیم.

بحث و نتیجه گیری

دستور زبان مجموعه قواعدی است که به تشریح ساختمان آن می پردازد و شیوه درست گفتن و درست نوشتن زبانی را می آموزند و بر خلاف نام خود دستوری برای سخن گفتن یا نوشتن نیستند، بلکه قانون مندی های موجود زبان را نشان می دهند. دانستن دستور برای آشنا شدن با ساختمان و تغییرات زبان در طول زمان لازم است و آموختن دستور روشی سودمند برلی برقراری ارتباط گفتاری و نوشتاری می باشد. دستور زبان شامل سه دوره است که دوره اول مشخصه آثار، تقلید از صرف و نحو عربی است، دوره دوم مدار توصیف و دوره سوم باطنی با رهیافتی ساختن گرایانه و به دور از ملاحظات معنایی است. آموزش این دوره ها شامل سه فصل آواشناسی، صرف و نحو است. دستور گشتاری در دستور زبان فارسی اثر بی نظیری دارد. این اثر که مشتمل بر سه بخش اصلی اصلی است. بخش اول به بیان و معرفی مفاهیم اصلی نظریه ی زبانی شامل توانش و کنش زبانی، چپستی زبان و دانش زبانی اختصاص یافته است. بخش دوم به توصیف قواعد سازه ای و گشتاری و بخش سوم به توصیف رو ساخت جمله و سازه های آن اختصاص یافته است. دلایل و مشکلات زیادی در آموزش دستور زبان فارسی وجود دارد که برخی از آن ها عبارت اند از: حجم زیاد و نکات پیچیده و سخت دستور زبان فارسی، استفاده از محتوای یکسان در همه رشته های تحصیلی و موارد دیگر. از روش های حل مشکلات می توان به استفاده از فناوری، به کارگیری مهارت های خلاق معلمان و روش تدریس اشاره کرد. یکی از روش هایی که می توانیم به اهداف درسی، فرایند تدریس و یادگیری برسیم، روش تدریس است. روش تدریس می تواند نقش ویژه ای در جهت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته باشد. استفاده از الگوهای تدریس فعال مانند تدریس استقرایی باعث بهبود ظرفیت تفکر، گردآوری، سازماندهی، کنترل اطلاعات و نام گذاری مفاهیم می شود و این روش نه تنها به بالا رفتن انگیزه دانش آموزان کمک می کند، بلکه درک حقایق، مهارت ها و فهم اصول را در پی دارد و کمک می کند تا دانش آموزان با کمک خودشان یاد بگیرند و نقش معلم به عنوان همکار و مربی است. از آنجایی که در درس دستور ابتدا باید مفاهیم در ذهن دانش آموزان شکل گیرد و بعد به تجزیه و تحلیل و سپس به کاربرد اصول در نمونه های مختلف پردازند، استفاده از روش استقرائی و دیگر روش های تدریس فعال می تواند مثر ثمر واقع شود.

منابع

احمدوند، مجتبی (۱۴۰۱). دستور زبان فارسی

<https://charbzaban.com/other/>

افشاری، نرجس (۱۳۹۳). لزوم کاربری دستور گشتاری (چامسکی) در آموزش دستور زبان فارسی. نخستین همایش آموزش زبان فارسی.

پارسا، احمد (۱۳۹۰). بررسی اثرات دو روش تدریس انتزاعی و تدریس در متن (روش جزء به کل و کل به جزء) بر میزان یادگیری برخی از دانش آموزان دبیرستان های شیراز در درس دستور زبان فارسی. فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند، شماره ۶.

پریچارد، آلن (۱۳۹۰). روش های یادگیری (نظریه ها و سبک های یادگیری در کلاس درس). ترجمه اسماعیل سعدی پور و طالب زندی، چاپ اول، تهران، آوای نور.

جعفری کمانگر، فاطمه و فیروزجایی گلوگاه (۱۴۰۰). مقایسه تاثیر آموزش به روش سنتی با استقرایی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه دهم در درس دستور زبان فارسی. دو فصلنامه علمی- ترویجی راهبردهای نوین تربیت معلمان، ۷(۱۲).

جویس، بروس؛ کالهن، امیلی و هاپکینز، دیوید (۱۳۹۳). الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس. ترجمه محمود مهر محمدی و لطفعلی عابدی، چاپ هفتم، تهران: سمت.

دادبه، اصغر (۱۳۹۸). دستور زبان فارسی

<https://www.cgie.org.ir/fa/article/>

دادکانی، محمد یاسین و کمان باز، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی مشکلات آموزشی درسی ادبیات فارسی و دستور زبان فارسی در دوره دوم متوسطه اول و دوم و رسیدن به راهکارهای مناسب جهت رفع این مشکلات. فصلنامه اورمزد، شماره ۴۲، ۱۱۴-۱۰۱.

دیناروند، حسن (۱۳۹۴). اصول و روش های نوین تدریس در دوره ابتدایی. چاپ اول، تهران: دانش پرور

رضازاده، حمیدرضا (۱۳۹۲). اصول عمومی تدریس و پرسشگری. چاپ اول، تهران: وانی.

سلیمانی، ربابه و هنرمند، زهرا (۱۳۹۹). بررسی تاثیر روش تدریس فعال بازی بر انگیزه و بهبود فرایند یاددهی و یادگیری دستور زبان فارسی. همایش ملی الزامات آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدارس، مراکز زبان آموزی، دانشگاه ها و فضای مجازی.

شعبانی، حسن (۱۳۹۳). مهارت های آموزشی و پرورشی. چاپ بیست و هفتم، تهران: سمت.

شعبانی، حسن (۳۹۴). روش تدریس پیشرفته. تهران: سمت.

علیزاده، علی اکبر (۱۳۹۴). روانشناسی فناوری جدید در زبان و ادبیات فارسی دبیرستان. کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.

فرهادی پور، محمد امین؛ عباسی، عفت و کریم زایی، سمیرا (۱۳۹۴). مقایسه اثربخشی روش تدریس استقرایی و روش تدریس کاوشگری بر خلاقیت دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۲(۱۹)، ۲۱-۱۰.

فرهادی، هادی؛ خلیلی مدم، تهمینه؛ ریسی، طاهره و نادری لردجانی، معصومه (۱۳۹۶). مقایسه تاثیر روش تدریس استقرایی و همیاری بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان مقطع دوم متوسطه لردگان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۲(۳)، ۹۸-۱۰۴.

فرهنگنامه ادب فارسی (۱۳۷۶). ذیل مدخل دستورنامه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجد، امید و طالح محمد، بختیار محمد (۱۳۹۹). نخستین سطح از نیازهای زبان آموزان به دستور زبان فارسی. نشریه پویا در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، شماره ۱۸.

محمدی باغملایی، حیدر (۱۳۹۵). طراحی تدریس برای یادگیری (راهنما، روش ها و فنون تدریس)، تهران: رشد.

موسی زاده، محمدعلی و طاهری خسروشاهی، محمد (۱۴۰۰). دستور زبان در قفقاز. نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، شماره ۲۶۳، ۱۸۵-۱۵۵.

وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا (۱۳۹۲). دستور زبان فارسی، چاپ چهاردهم، تهران: سمت.

هادی زاده، محمد جواد (۱۴۰۰). تحلیل و ارزیابی محتوای دستور در دو مجموعه آموزش نوین زبان فارسی و آموزشی فارسی به فارسی بر اساس رویکرد دستور آموزشی. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، ۴۰۱-۳۷۵.

Hernandez, Lopez; L., Garcia-Almedia; D. J. Ballesteros Rodrigues; De Saa-Perez (2016) “Student perceptions of the lecturer's role in management education : Knowledge, acquisition, competence development”, The International Journal of Management Education, 14 (3), 411-421.

Taba, Hilda (1967), Teachers Hand Book For Elementary Social Studies Addition; Vestey Publishing Co, Inc.

Yi Chen Chiang (2010); The Effects of Adopting Deductive and Inductive Methodes in an English Grammar and Writing class for English-Major Freshmen in a Technological college .Master's Thesis Taiwan.